پنجشنبه بازار کتاب

هدیه نوروزی

سایر محمدی

ایام تعطیلات نوروز فرصت مناسبی است که آثار در نوبت مانده را مطالعه کنیم. یا آثاری که در ماهها و روزهای اخیر منتشر شده اند و فرصت تهیه و مطالعه آن ها فراهم نبود، از کتابفروشی ها تهیه کنیم و درخانه و یا هنگام مسافرت آن ها را مطالعه کنیم.

به خاطر ندارم کدام نویسنده می گوید در زمان مطالعه انگار در جشنی جاودان حضور دارم. پس می توان جشن نوروز را با جشن کتابخوانی پیوند زد. به جای دادن عیدی های مرسوم به یکدیگر به اطرافیان به خانواده و دوستان کتاب عیدی بدهیم که بهترین عیدی است و هرگز فراموش نمی شود. درهرحال هفته ای که گذشت آثار تازه ای چاپ و منتشر شده اند که بی مناسبت نیست به معرفی آن ها بپردازیم و شما را با این آثار آشنا کنیم.

شعر

«یادداشتی برای ماه» نخستین مجموعه شعر طاهره شهابی است که از سوی نشر ثالث به بازار آمد. شهابی در همین نخستین دفتر نشان داده که هم توان سرودن شعرهای کوتاه و سپید را دارد و هم توان سرودن غزل نو را. نگاه شاعر در این مجموعه نگاهی اجتماعی - انسانی به پدیده های اطراف است و سعی دارد به مفاهیم و معناهای ذهنی شیئیت ببخشد. یادداشتی برای ماه به عنوان نخستین مجموعه شاعر نشان از موفقیت شاعر در مسیری که انتخاب کرده، می دهد.

نشر ثالث دوکتاب شعر دیگر از مجموعه شعر معاصر را هفته گذشته به بازار فرستاد که «آرامگاه بادکجاست» سروده های سپید نبی توکلی و «ذهن آبی نیلوفر» سروده های سپید ایرج خالصی است. نبی توکلی با این کتاب پنجمین مجموعه شعرش را منتشر کرده است و ایرج خالصی نیز پیش از این چند کتاب منتشر شده در کارنامه اش داشت. «بوی آبی رؤیا» مجموعه شعری به قلم محمود جوادیان (وهمن کوتنایی) است که از سوی نشر اشاره منتشر شده است. «از شعر خاکستری تا شعر سپید» جلد دوم کتاب «شعر، رهایی است» به اهتمام دکتر توج رهنما از سوی انتشارات ققنوس چاپ و منتشر شده است. رهنما در جلد دوم «شعر، رهایی است» گزیده ای از شعر شاعران معاصر را انتخاب کرده و در کنار هم آورده است. از بیژن جلالی و منوچهر آتشی تا رسول یونان و کسرا عنقایی. ضمن این که مقدمه ای مبسوط درباره دگرگونی های اجتماعی و فرهنگی صد و پنجاه سال اخیر و زمینه های نوگرایی در ادبیات فارسی را مورد بررسی قرارداده است.

«راز رشید» مجموعه شعرهای عاشورایی از شاعران معاصر و مطرح امروز تا شاعران گمنام شهرستانی است که به اهتمام محمدرضا سنگری ازسوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

علیرضا قزوه نیز رباعی های شاعران پارسی گو در لغت پیامبر اعظم(ص) را گردآوری و درکتابی به نام «صاحب دل» چاپ و منتشر کرده است. این اشعار در کنگره بین المللی شعر نبوی در مشهدمقدس (اسفند۸۵) ارائه و خوانده شده بود.

ناشر این کتاب انتشارات سوره مهر است. «مهرمکتوب» نام مجموعه شعری سروده افسانه بایگان بازیگر معروف سینما است که از سوی انتشارات ایشیق به بازار آمد. وزن در شعرهای افسانه بایگان جایگاه خاصی دارد، هرچند شعرها در قالب نو سروده شده و قافیه درآن نقشی ندارد. «نور ماه بر درختان کاج» مجموعه ای از هایکوهای ژاپنی است که جاناتان کلمنتس جمع آوری و به زبان انگلیسی ترجمه کرده و نیکی کریمی دیگر بازیگر و کارگردان سینما این هایکوها را به فارسی برگردانده است. ناشر این کتاب نشر چشمه است. «دیوان صفوی» مجموعه ای از اشعار کلاسیک سیدمحمد ابراهیم صفوی شاعر بیرجندی است که در سال ۸۳ دارفانی را وداع گفت. این اشعار به سعی دکتر محمود رفیعی و حسن ابطحی راد گردآوری و از سوی انتشارات هیرمند چاپ و منتشر شده است. بخشی از شعرها که به زبان بیرجندی سروده شده بود توسط محمدتقی راشد به لاتینی آوانگاری شده است. «دیوان ناصرخسرو» با مقدمه سیدحسن تقی زاده از سوی مؤسسه انتشارات نگاه چاپ و منتشر شده است.

دیوان ناصرخسرو قبلاً به وسیله این انتشاراتی چهاربار تجدید چاپ شده و لازم بود که حروفچینی تازه ای از آن با صفحه بندی تازه ارائه شود.

انتشارات مروارید هم از مجموعه گزینه اشعار شاعران معاصر، گزینه اشعار شفیعی کدکنی را تجدید چاپ کرده است. در فاصله سال ۸۲ تا ۸۵ این چهارمین چاپ از این مجموعه است که به بازار عرضه شده است.

«گزینه اشعار نصرت رحمانی» نیز به وسیله انتشارات مروارید به چاپ چهارم رسید و هفته گذشته به بازار آمد. چاپ هفتم «گل ها همه آفتابگردانند» سروده قیصر امین پور هم از سوی همین ناشر راهی کتابفروشی ها شد.

«واژه نامه هنر شاعری» فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک ها و مکتب های آن به قلم میمنت میرصادقی (ذوالقدر) برای سومین بار ویرایش شده و چاپ سوم آن از سوی انتشارات کتاب مهناز به بازار آمد.

سی و یکمین کتاب از مجموعه نویسندگان قرن بیستم فرانسه اثر اریکا آسترووفسکی به سن ژون پرس شاعر و نویسنده فرانسوی اختصاص داده شد که فرزانه طاهری آن را به فارسی برگرداند و نشر ماهی آن را چاپ و منتشر کرده است.

داستان، رمان

مجموعه داستان «داستان های شهر جنگی» نوشته حبیب احمدزاده که برنده بهترین کتاب سال دفاع مقدس (سال ۷۸) و برنده رتبه اول بهترین کتاب بیست سال داستان نویسی دفاع مقدس (۷۹) شده بود. از سوی انتشارات سوره مهر به چاپ هفتم رسید. تاکنون حدود چهل هزار نسخه از این کتاب چاپ و عرضه شده بود.

انتشارات سوره مهر رمان «من او» نوشته رضا امیرخانی را به چاپ یازدهم رساند. رمان من اویکی از پرمخاطب ترین رمان های سال های اخیر بوده است. چاپ دوم رمان «سفره بر گرای ۲۷۰ درجه» نوشته احمد دهقان نیز هفته گذشته از سوی همین ناشر به بازار آمد.

«چمدان خالی سنگین» مجموعه داستانی به قلم پروین مختاری است که از سوی نشر اشاره منتشر شده است. نشر شادان رمان «عروسی سکوت» نوشته فرنگیس آریانپور را چاپ و منتشر کرده است. آریانپور که مقیم خارج از کشور است در این اثر قصه زندگی ایرانیان در غربت را در پیوند با مردم داخل کشور روایت می کند.

انتشارات شادان رمان دیگری به نام «.com بوی خوش عشق www.» به قلم آرش خسرو پناهی را هفته گذشته چاپ و منتشر کرده که زندگی سال امروز را در مقایسه با نسل دیروز و در جهانی که با ابزارهای رسانه ای فوق مدرن تبدیل به دهکده ای شده، روایت می کند. «مأمور خاطرات» اثری از لویس لوری با ترجمه لیلا نائینی است که از سوی انتشارات بازتاب نگار چاپ و منتشر شده است.

داستان این رمان که در زمان و مکان نامعلومی جریان دارد و در رده علمی - تخیلی جای می گیرد برنده جایزه نیوبری نیز شده است. نویسنده در این اثر دخالت ها و دستکاری های بشر را در جهان هستی و در طبیعت نشان می دهد و به انسان هشدار می دهد.

«اشتیلر» یکی از معروف ترین رمان های ماکس فریش نویسنده و نمایشنامه نویس سوئیسی است که با ترجمه علی اصغر حداد ازسوی نشر ماهی به بازار آمد. نقدی به قلم دورنمات بر این اثر ضمیمه کتاب حاضر است.

«فریاد نکن، فراموش کن» جدیدترین رمان شهره وکیلی است که هفته گذشته از سوی نشر پیکان به بازارآمد. وکیلی در این رمان داستان زوجی جوان را روایت می کند که دختری را به فرزندخواندگی می پذیرند و در ادامه زندگی شان دستخوش حوادثی تکان دهنده می شود. نویسنده توانایی بالقوه ای در فضاسازی و شخصیت پردازی دارد که به همراه نثر پاکیزه و دیالوگ های مؤثر و موجز مخاطبان را از هر قشر وطبقه ای جذب می کند.

وکیلی به عنوان نویسنده ای شناخته شده آثارش با اقبال عمومی روبه رو می شود. همچنان که رمان دیگرش «رقص باد و آب» هفته گذشته به چاپ دوم رسید، ناشر این رمان نشر علمی است و تیراژ هرچاپ آن بین پنج تا ده هزار نسخه است.

انتشارات سخن نیز هفته گذشته چاپ چهارم رمان «بانو» نوشته بانو ایراندخت را که اثری مستند است، به بازار فرستاده است.

دین وفلسفه، تاریخ و هنر

«حقیقت و هنر دینی» عنوان کتابی به قلم دکتر محمد مددپور است که نظری به مبانی نظری هنر، شعر، ادبیات و هنرهای تجسمی دینی دارد. این کتاب با همکاری پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

«هنر اسلامی» به قلم دکتر عفیف البهنسی با ترجمه محمودپور آغاسی کتاب دیگری است که توسط همین انتشاراتی به بازارآمد. در این کتاب هنراسلامی را در معماری بویژه در مساجد اندلس، مسجد کوردوبا، مسجد الاقصی و مساجد ایرانی و ترکی نشان می دهد. فصل های دیگر کتاب به هنرهای تصویری اسلامی چون کاشی و نقاشی دیواری و خطاطی و مینیاتور اختصاص دارد. «محی الدین ابن عربی و نقش خیال قدسی در شهود حق» عنوان کتابی به قلم مریم صانع پور است که نشر علم منتشر کرده است.

«مارکس هنگام فروریزی کمونیسم» عنوان کتابی به قلم یوسف اسحاق پور است که عنوان فرعی زوال سیاست و روشنفکر؟ را بروی لجد دارد. ویدا حاجبی تبریزی این کتاب را به فارسی ترجمه کرده و انتشارات بازتاب نگار ناشر آن است.

«پساکمونیسم» کتابی به قلم ریچارد ساکوا با ترجمه محسن حکیمی است که نشر آشیان آن را چاپ و منتشر کرده است. نویسنده در این کتاب وضعیت کمونیسم را در جهان امروز و پس از فروپاشی شوروی کالبدشکافی می کند. انتشارات آشیان کتاب «آنانومی ویران سازی انسان» یا پرخاشجویی و ویرانسازی به قلم اریک فروم با ترجمه احمدصبوری چاپ و منتشر کرده است. فروم در این کتاب شخصیت های جبار و شقاوت پیشه را تحلیل می کند و به مفهوم مرگ دوستی و تحلیل ماهیت روانکاوانه آن می پردازد.

«ماکس وبر و کارل مارکس» اثری از کارل لووبت است که با پیشگفتار جدیدی از برایان ترنر و برگردان شهناز مسمی پرست از سوی انتشارات ققنوس منتشر شده است. نویسنده در این کتاب به تفسیرهای مدرن از مضمون بیگانگی انسان در نظریه مارکسیستی و مضمون عقلانی شدن در جامعه شناسی ماکس وبر می پردازد.

«آن چه ما دریافت می کنیم» کتابی به قلم آگنس روسو با ترجمه فروزان تجویدی است که انتشارات جیحون منتشر کرده است.

اگنس روسو مدرس علوم انسانی، تحقیقاتی را درمورد اخلاقیات و تأثیرات اجتماعی آن انجام داده که در این کتاب آمده است. انتشارات جیحون «دیدنی ایران» را که کتابی در خدمت راهنمایی گردشگران است به قلم هنگامه دولتشاهی منتشر کرده که با عکس های افشین بختیار مصور شده است. در این کتاب نقشه راههای کشور و طول مسافت، اماکن دیدنی ایران و معرفی اماکن تاریخی و دینی و سیاحتی آمده است.

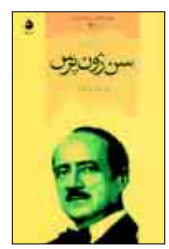

فرهنگ درست نویسی سخن

دکتر حسین انوری

انتشارات سخن در آستانه نوروز نزدیک به ۱۰۰ عنوان کتاب طبع و نشر کرده است که در صدر آنها «غزل های سعدی» اثر استاد دکتر غلامحسین یوسفی و ۳ عنوان جدید از مجموعه فرهنگ های دوازده گانه سخن به نام های فرهنگ جیبی سخن، فرهنگ درست نویسی سخن و فرهنگ نوجوان سخن به سرپرستی دکتر حسن انوری و دوره کامل ۳۰ ساله و ۱۵ جلدی مجله وزین فرهنگ ایران زمین به سعی استاد ایرج افشار قرارداره، همچنین عناوین جدیدی از دو مجموعه «میراث عرفانی ایران» و «مجموعه آثار عطار» به اهتمام دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی جای دارد. به همین مناسبت مقدمه ای که انوری بر کتاب «فرهنگ درست نویسی سخن» اثر دکتر یوسف عالی عباس آباد نوشته است، از نظرتان می گذرانیم.

وقتی کتاب «غلط نویسیم» استاد ابوالحسن نجفی منتشر شد، محمدرضا باطنی زبان شناس، مقاله ای در نقد آن نوشت با عنوان «استاد اجازه بدهید غلط بنویسیم». نقد از آنجا ناشی است که زبان شناسان، بسیاری از آنچه را «بد» اغلط می انگارند نتیجه تحول زبان می دانند. از جهتی حق با زبان شناسان است. زبان در حال تحول است. پیوسته گروهی از کلمات از حیطه زبان بیرون می روند و به بوته فراموشی سپرده می شوند و گروهی از کلمات جدید در زبان ظاهر می شوند و کلماتی که به موجودیت خود ادامه می دهند از جهت آوایی و معنایی و دستوری دچار دگرگونی می شوند. این دگرگونی نخست به صورت غلط ظاهر می شود سپس تبدیل به غلط مصطلح می گردد، غلط مصطلح که فراگیر شد و به زبان اهل کتاب و ادب سرایت کرد جای صحیح را می گیرد و صورت سابق کلمه را از میدان به در می کند.

به طور مسلم کسی را که نخستین بار مصادر باب مفاعله عربی را در فارسی به صورت مفاعله mofa'ele و نه مفاغلة mofa'alat به خوانده و تلفظ کرده، متهم به غلط خوانی و غلط گویی کرده اند. اما این صورت غلط، ملایم زبان فارسی بوده که دیگران آن صورت مغلوط را آنقدر تکرار کرده اند که صحیح را از میدان بیرون رانده و جانشین آن شده است؛ چنان که امروز اگر کسی مصالحه، معامله، مجادله و امثال آنها را مصالَحت، مجادَلت و ... بگوید، می گویمیم غریب، غیرعادی و غیر معیار سخن می گوید. در واقع مصالحت در زبان امروز غلط است و صحیح آن مصالحه است. مستخدم عربی در زبان فارسی مُستَخدم تلفظ شده است. اگر کسی از روی تعصب وَ نا آگاهی و بیگانگی با تحول زبان مستخدَم بگوید درست نگفته است. همین طور است که اگر کسی معدّل را معدل بگوید به دلیل این که طبق قواعد عربی باید معدّل باشد، نه معدّل در گفتار راه خطا پیموده است. این ها نتیجه تحول است و تحول اگر در مرحله آغازین باشد می شود آن را نادیده گرفت. اما اگر غلبه کرده باشد به طوری که بیش تر گویندگان صورت تحول یافته را به کاربرند و صورت اصلی و کهن را به بوته فراموشی سپرده باشند، دیگر صورت اصلی را به کاربردن جایز نیست و باید غلط تلقی شود، چنان که تلفظ غطر به صورت عطر و چنین به صورت چنین و سبیل به صورت سبیلَت غلط است و باید این نوع تلفظ ها و کاربردها کنار گذاشته شود. پس غلط در زبان وجود دارد. درباره واژه هایی که در مرحله تحول هستند یافتن صورت درست با آمارگیری امکان دارد، یعنی از گویندگان زبان که به طور طبیعی برای نیازهای روزمره خود سخن می گویند- نه کسانی که خطابه ایراد می کنند، یا در کلاس های ادبی تدریس می کنند یا در رادیو و تلویزیون شعر می خوانند، زیرا این قبیل افراد اغلب تمایل دارند صورت کهنه کلمات را به کار برند- آمار بگیریم، که برای مثال چند درصد چنین و چند درصد چنین می گویند، آمار نشان خواهد داد که غلبه با کدام صورت است و کدام صورت از زبان بیرون می رود یا بیرون رفته است. این کاری است که گیتی دیهیم در سطح محدودی کرده و در کتابی به نام «فرهنگ آوایی فارسی» انتشار داده است.

کلمه معیار در زبان فارسی، در مقابل اصطلاح فرهنگی استاندارد به کار می رود و در حالت کلی به آن صورتی از زبان اطلاق می شود که افراد کشوری چون کشور ایران که به لهجه و گویش ها و گونه های محلی تکلم می کنند، آن را به عنوان وسیله ارتباطی در میان خود به کار می برند، چنانکه تبریزی با شیرازی، ترکمن با لر، گیلک با بلوچ هنگام مراوده به زبان فارسی سخن می گویند. زبان فارسی در حالت کلی در ایران زبان معیار است. قید حالت کلی برای آن است که در داخل این زبان معیار گونه های معیار دیگری هست و در وهله اول دوگونه گفتاری و نوشتاری در آن بارزتر است. گونه گفتاری همان است که مردم در پایتخت بدان سخن می گویند و در برنامه های نمایشی، سینمایی و تفریحی رادیو و تلویزیون شبکه سراسری به کار می رود و گونه نوشتاری در حالت کلی به عنوان زبان مکتوب در کشور زبان رسانه های رسمی، زبان کتاب های درسی، زبان پایان نامه های دانشگاهی، زبان بخشنامه های اداری، زبان قانون نامه ها و جز آنهاست این زبان نوشتاری خود دارای گونه های فرعی متعددی است که عبارتند از گونه علمی، مخصوص بیان موضوع های علمی که خود به شعبه های متعددی تقسیم می شود که ناظر به رشته های علمی مربوط است و هر رشته اصطلاحات خاص خود را دارد. از ویژگی های گونه علمی صراحت الفاظ در دلالت بر معانی است، چنان که اصطلاحات به دقت قابل تعریفند یا تعریف شده اند، ویژگی دیگر آن داشتن جنبه جهانی آن از نظر معنی است چنان که اسیدها در شیمی در زبان فارسی همان تعریفی را دارند که در دیگر زبان ها و در دیگر کشورها. از دیگر ویژگی های این گونه در زبان فارسی وجود نسبتاً زیاد واژه های فرنگی است. زیرا در زبان فارسی برای همه اصطلاحات رشته های گوناگون علمی، معادل فارسی وجودندارد. فرهنگستان زبان و ادب فارسی کوشش دارد که این گونه از زبان نوشتار را هرچه ممکن است از واژه های فرنگی بپیراید چنان که در سال های اخیر بیش از ۳ هزار واژه در مقابل اصطلاحات فرنگی وضع کرده است. نیز در گونه علمی در واژه ها بارعاطفی وجودندارد. گونه دیگر زبان نوشتاری گونه ادبی است که خود به دو زیرگونه شعر و نثر تقسیم می شود. گونه شعر به سبب مقتضیات وزن و آهنگ و آفرینش شعری و مجاز بودن شاعر در استفاده از واژه های کهن و ابداع تعبیرات جدید و به کار بردن الفاظ در معانی غیرمتداول و دادن بار عاطفی به واژه ها، وضعیت خاص خود را دارد و بیش تر از گونه های دیگر در معرض اعمال سلیقه های شخصی و در نهایت دگرگونی است و به ویژه که از نظر نحوی تفنن در آن زیاد دیده می شود با این همه رعایت بهنجاربودگی زبان که مطمح نظر این دفتر است در زبان شعر نیز صادق است و شاعر را از توجه به نکات درست نویسی بی نیاز نمی کند.

گونه نثر ادبی نیز آنچه در داستان نویسی ملحوظ است، دوگونه است. گونه نخست آن چیزی است که در آن نویسنده از زبان خود سخن می گوید. در این گونه، کلمات شکسته نمی شود، زبان لحن محاوره ای ندارد ونزدیک به زبان گونه سرمقاله ای است، که از آن سخن خواهیم گفت. گونه دیگر آن است که نویسنده از زبان قهرمانان داستان سخن می گوید و به سبب وجود قهرمانانی از طبقات مختلف جامعه با ویژگی های زبانی خاص خود، به هیچ وجه یک دست نیست. وقتی که نویسنده از زبان اشخاص داستان سخن می گوید کوشش می کند ویژگی های زبانی او را تقلید کند؛ از این رو این بخش از داستان ها به طور کامل از زبان معیار تبعیت نمی کند. نویسنده باید در اینجا کوشش کند تا زبان کاملاً طبیعی اشخاص داستان را روی کاغذ بیاورد.

در داستان هایی که ترجمه شده اند و مترجم در گفتار اشخاص داستان، زبان محاوره ای و شکسته به کار نمی برد، از واژه های کهن و ابداع تعبیرات جدید و به کار بردن الفاظ در معانی غیرمتداول و دادن بار عاطفی به واژه ها، وضعیت خاص خود را دارد و بیش تر از گونه های دیگر در معرض اعمال سلیقه های شخصی و در نهایت دگرگونی است و به ویژه که از نظر نحوی تفنن در آن زیاد دیده می شود با این همه رعایت بهنجاربودگی زبان که مطمح نظر این دفتر است در زبان شعر نیز صادق است و شاعر را از توجه به نکات درست نویسی بی نیاز نمی کند.

از ویژگی های این نثر پیراستگی و بهنجاربودگی آن است و اگر بتوان اصطلاح «معیارترین» را به کار برد این گونه از نثر، «معیارترین زبان» در زبان فارسی شمرده می شود. زبانی است که زبان شناسان و ادیبان نمی توانند برآن خرده بگیرند و درعین حال افراد متوسط جامعه ازنظر سواد و معلومات آن را به راحتی می فهمند.

زبان معیار از این دیدگاه معدل زبان این نوع نویسندگان شمرده می شود. آثار کسانی چون محمدعلی فروغی، پرویز ناتل خانلری، محمدعلی اسلامی ندوشن، غلامحسین یوسفی، نجف دریابندری، م. به آذین و محمد قائم از این دست نثر شمرده می شوند. مراد ما در این کتاب از زبان معیار، این زبان است.

حال باید دید در زبان اینان چه ویژگی هایی هست و چه عناصری در آن راه دارد و چه عناصری راه ندارد. در نوشته های اینان، لغات مهجور چه عربی چه فارسی قدیم دیده نمی شود.

پس در زبان معیار نباید لغات مهجور وجودداشته باشد. اگر از نویسنده ای امروزی بخوانیم: «اصل فردوسی از بقعت طوس است.» باید حکم کنیم که زبان معیار به کار نبرده است. زیرا بقعت در زبان امروز به کار نمی رود. در بحث از شعر می گویند یکی از عناصر شهر کهن گرایی است. یعنی برای مثال به جای «مثل» «چونان»، به جای «روزها و شب ها» «روزان و شبان» به جای «این چنین» «ایدون» گفته شود. این موضوع در شعر ایرادی ندارد. همچنان که گفته اند آنچه برای شاعر جایز است برای دیگران جایز نیست ولی در نثر معیار نباید به این عناصر راه داد. «کسانی از اهل قم چنین می پندارند که اگر به شیوه بیهقی و ناصرخسرو ونصرالله منشی بنویسند ارزش نوشته خود را بالا می برند، غافل از این که این بزرگان به زبان دوره ادبی خود می نوشتند. زنده بودن زبان به این است که متعلق به زمانه خود باشد هم از نظر قاموسی و هم از نظر دستوری.

گرایش دیگری که در نثر نویسندگانی که نام بردیم، وجود ندارد سره نویسی است. سره نویسی در واقع یکی از آفت هایی است که زبان فارسی را تهدید می کند. کسانی که به این کار می پردازند اعتقاد به زبان خالص دارند. زبان خالص مانند نژاد خالص از تعصب سرچشمه می گیرد. اینان کسانی هستند که می خواهند از راه ترکستان به کعبه برسند. قصد خدمت به زبان دارند اما درواقع به آن زیان می رسانند. اگر در میان ۶ هزارزبانی که در کره زمین هست و مردمان جهان به آنها سخن می گویند، زبان خالص یافته شود باید گفت که آن زبان از آن قوم بسیار ابتدایی است. قومی که نتوانسته است در طول تاریخ با اقوام و ملل دیگر ارتباط برقرار کند و خود را با جهان همگام سازد. چرا که لازمه پیشرفت و تکامل تمدن، ارتباط اقوام با یکدیگر و اخذ و اقتباس عناصر مدنی از همدیگر و در نتیجه زبان همدیگر است. ادی شیر زباندان معروف عیسوی عراقی در کتاب «الفاظ الفارسیه المعربه» نزدیک به ۲ هزار واژه فارسی دخیل درعربی را برمی شمارد. هیچ عرب فرهیخته ای به این فکر نمی افتد که آنها را از زبان بیرون کند. چنان که هیچ ادیب و زبان شناس انگلیسی و فرانسوی به واژه های فراوانی که از زبان های دیگر وارد زبان آنها شده به نظر بیگانه نگاه نمی کند. واژه اسفناج از فارسی به عربی رفته و از طریق اندلس به زبان های اروپایی راه یافته است. چنان که در انگلیسی Spinach است و در سال ۱۲۵۶ نخستین بار به صورت epinard به زبان فرانسوی نیز راه یافته است. نارنج فارسی در عربی النارنج به زبان های اروپایی رفته و شکل Orange یافته است و نخستین بار در سال ۱۲۰۰ میلادی در زبان فرانسوی دیده می شود. بادنجان فارسی به عربی رفته، حرف تعریف گرفته، البادنجان شده است و از آنجا به زبان های اروپایی راه یافته و نخستین بار در سال ۱۷۵۰ م در زبان فرانسوی به صورت aubergine دیده می شود. هزاران کلمه مثل این کلمات از فارسی و عربی و زبان های دیگر حتی از زبان بومیان آفریقا و استرالیا به زبان ملل متمدن راه جسته است و امروزه کسی آنها را بیگانه نمی انگارد زیرا به غنا و گستردگی زبان انجامیده و جای شگفتی است که سره نویسان اغلب با واژه های عربی دخیل در فارسی سر ستیز دارند و واژه های دخیل از زبان های قدیم دیگر را نادیده می انگارند و با آنها کاری ندارند مثل واژه های آبنوس، ارغنون، اریکه، استرلاب، اسطوره، اسفنج، اسقف، افیون، اقاقیا، اقلیم، اقیانوس، اکسیر، الماس، انجیل، بربط، برج، بلور، پول، تریاک، جغرافیا، درم، دیهیم، زمرد، سپهر، سمندر، سیم، صندل، فانوس، قرطاس، قفس، قفنس، قلم، کالبد، کلید، کلیسا، گوتیا را که در زمان های گذشته از زبان یونانی مستقیم یا غیرمستقیم وارد زبان پهلوی، سپس وارد فارسی گردیده یا از طریق عربی در فارسی توطن گزیده اند. البته این واژه ها را مانند واژه های دخیل عربی (نه واژه های مهجور عربی) باید فارسی شده دانست و سرستیز با آنها را همچنان که با واژه های عربی، کنار گذاشت. مهم، گرفتن واژه از زبان بیگانه نیست، بلکه مهم این است که واژه برگرفته را مطابق اصوات و قواعد و ویژگی های زبان مقصد به کار بریم چنان که فارسی زبانان با واژه های عربی و یونانی و فرنگی کرده اند.